

مصاحبه
فرونشاندن بحران اقتصادی ناشی از کووید-۱۹

نویسنده: جمع اقتصاددانان
مترجم: حمیدرضا اشرف‌زاده و دیگران
ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

مجله: سلام جناب اشرف‌زاده عزیز. لطفا ابتدا برای آشنایی بیشتر خوانندگان با حضرتعالی، شرح حالی از ابتدا تا کنون از خود بفرمایید تا برویم سراغ کتاب

من در ۱۵ آذر ۱۳۳۵ در شیراز به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را در شیراز به اتمام رسانده و سپس به تهران مهاجرت کردم. پس از پایان تحصیلات متوسطه در تهران در سال ۱۳۵۴ وارد رشته برنامه‌ریزی در مدرسه عالی کامپیوتر شدم. البته اینجا سوءتفاهمی رخ داده بود، ما به خاطر برنامه‌ریزی کامپیوتر این رشته را انتخاب کردیم اما در واقع مقرر بود در این رشته برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی تدریس شود. در سال ۱۳۵۵ به علت اعتصابات دانشجویی یک ترم دانشکده ملغا شد و متاسفانه در سال ۱۳۵۶ کلا مدرسه از فعالیت بازماند و دو ترم هم در آن سال از دست دادیم. در سال ۱۳۵۷ مصادف با ناآرامی‌های اجتماعی و وقوع انقلاب اسلامی باز هم ترم دیگری از دست رفت. بالاخره در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ یک ترم درس‌ها برقرار شد و در سال ۱۳۵۸ یک ترم دیگر گذراندیم. در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ دانشگاه‌ها و مدارس عالی کلا تعطیل شد. در ایام تعطیلات که حدود ۴ سال به طول کشید، برای خود برنامه وسیعی در نظر گرفتم. مطالعه ریاضیات، زبان انگلیسی و اندکی هم فلسفه با آثار مرحوم فروغی که در این سال‌ها به کارهای آتی من کمک شایان توجه‌ای کرد. پس از بازگشایی مدارس به رشته اقتصاد منتقل شدم و مابقی تحصیلات را در دانشگاه شهید بهشتی تا مقطع لیسانس به پایان رساندم. سال ۱۳۶۵ در آزمون ورودی فوق لیسانس در دانشگاه تهران قبول شدم. در بهمن ماه همان سال هم به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی آمدم و پس از حدود ۵ ماه از استخدام، نخستین کتاب خود را تحت عنوان «اصطلاحات و تعاریف اقتصادی و بازرگانی» منتشر کردم که با موفقیت زیادی توام بود و کتاب مقابل دانشگاه تهران بازار سیاه پیدا کرد. در هر صورت تا بهمن ماه ۱۳۹۵ در موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی کار کردم و سپس بازنشسته شدم. در ضمن در آزمون ورودی دانشگاه تربیت مدرس برای دکتری در سال ۱۳۷۷ در سن ۴۴ سالگی قبول شدم و در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شدم. کلا در این ۳۷ سالی که در رشته اقتصاد گذرانده‌ام گرچه به دیدگاهی خاص و چشم‌اندازهایی رسیده‌ام اما از شدت علاقه‌ام به معلومات ریاضی و آماری و همان علاقه به برنامه‌نویسی هیچ کاسته نشده و همچنان این مطالعات و زمینه کاری را ادامه می‌دهم. در این مدت استاد مشاور و استاد داور چندین پایان نامه بوده‌ام که متاسفانه نشان می‌دهد آموزش دانش اقتصاد پس‌گرد داشته که علت آن قطع ارتباط میان نخستین نسل از اقتصاددانان ایرانی و نسل سوم است. به هر حال برای تمام همکارانم در موسسه و در کشور آرزوی موفقیت دارم چرا که دیگر پیشرفت در این حرفه برای سن من مقدور نیست.

مجله: اما در خصوص کتاب، اگر ممکن است توضیحی بفرمایید

در خصوص این کتاب باید بگویم در اوج بحران کووید تعدادی از اقتصاددان تراز اول نسخه الکترونیکی آن را منتشر کردند که به

توصیه موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و همکاری چند تن از دوستان اقدام به ترجمه آن کردیم. البته نظر من چاپ رنگی نمودارها بود که به کیفیت انتقال مفهوم کمک ویژه‌ای می‌کرد اما در انتها این خواست محقق نشد.

معتقدم هدف اصلی نویسندگان آن بود که بگویند چگونه می‌توانیم منحنی رکود را هموار کنیم؟ اجماع میان نویسندگان کتاب و در حقیقت میان اغلب اقتصاددان سرشناس که در آن فصولی را نوشته‌اند، بسیار ساده است. گزاره همگی برای حل مشکل این بود: سریع بجنبید و به هر قیمتی که شده انجام دهید. اقتصاددانان به دولت‌ها توصیه کردند سیاست‌هایی را به کار گیرند که منحنی رکود را هموار کرده و ضمن آن از وارد آوردن خسارت طولانی‌مدت به اقتصادهای خودداری کنند. به عبارت دیگر مکرر در کتاب گفته می‌شود نور را در انتهای تونل روشن نگاه دارید تا آنکه رکود برطرف شود. سیاست تضمین درآمد حداقل برای امرار معاش به ویژه در کشورهای غربی مبنایی چنین داشت. تغییر انتظارات به عدم نابودی اقتصاد و ورود به یک دوره بلندمدت رکود مهمترین هدف اقتصاددانان بود. دقت کنید که از ابتدا مشخص بود که به زودی واکسن ساخته می‌شود و تکانه پزشکی وارد شده به اقتصاد موقتی است. چین با قرنطینه شدید ظرف سه ماه بحران را کنترل کرد اما کشورهای دیگر هزینه لازم برای کنترل شدید را نپرداختند هزینه بالایی پرداختند و پیک‌های مختلفی و تلفات سنگینی دادند. اما نهایتا یک سلاح پزشکی است که به این بحران اقتصاد خاتمه خواهد داد. مساله دیگر هم پایدار بودن خسارت اقتصادی است. دقت کنیم که وقتی رکود کرونایی برطرف شد، به خاطر اقداماتی مانند افزایش اتوماسیون و نظام حمل و نقلی و دسترسی‌های نوین، دیگر ممکن است خیلی از شغل‌ها وجود نداشته باشد. بنگاه‌های زیادی طی این دوران در ایران بسته شد و بانک‌های زیادی به خطر افتادند. اقتصاددانان نویسنده فصول این کتاب در همه توصیه‌ها خود یک اصل را رعایت کرده‌اند: «نگذارید ترس اقتصادی انباشت شود». تا آنجا که ممکن است از ورشکستگی‌های غیرضروری جلوگیری کنید و «مطمئن شوید مردم برای خرج کردن حتی اگر کار نداشته باشند، پول دارند». سیاستی که به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور در ایران قابل انجام نبود و مردم ما دوران سختی را به لحاظ اقتصادی طی دوره کرونا پشت سر گذاشتند و تلفات زیادی دادند. کشورهای دیگر به یک نظام «خودقرنطینگی» یارانه دادند. در فصول مختلف این کتاب توصیه‌های مختلفی راجع به سیاست‌های مالی، پولی، تنظیمی‌مالی، بیمه‌ای اجتماعی، صنعتی و تجاری داده شده است. جالب آنکه برخلاف نظر عموم، اقتصاددانان اعتقاد داشته‌اند که برای بحران کووید، سیاست پولی خیلی موثر نیست. بلکه سیاست مالی است که باید برای نجات به میدان بیاید زیرا شوک اصلی از بخش واقعی اقتصاد می‌آید اما همانند سیاست پولی در دوران بحران مالی جهانی و بحران یورو، دولت‌ها باید آماده باشند اقدامات لازم را انجام دهند. یعنی، سیاست مالی باید جلودار باشد و سیاست پولی نقشی حمایت‌کننده و تضمین‌کننده نقدینگی سیستم مالی را بازی کند. یاد این ضرب‌المثل قدیمی هم افتادم که ایرانی‌ها می‌گویند «کار از محکم‌کاری عیب نمی‌کند». پوشش اصلی تمامی



توصیه‌ها محکم‌کاری دولت‌ها در حوزه‌های اصلی سیاست‌گذاری برای عبور از شرایط بحرانی است که البته اجرای این سیاست بستگی به وسع دولت‌ها و قدرت مالی آنها داشت. این نکته را هم نباید از اقلام انداخت که بحران کووید مجددا یکی دیگر از استدلال‌های صحیح ورود دولت به اقتصاد را به نمایش گذاشت. کووید-۱۹ ثابت کرد جایی که دخالت دولت منجر به اطمینان بیشتر به شبکه بانکی می‌شود، دخالتی ضروری و صحیح است. در آمریکا این گزاره در اوج بحران غوغایی در مباحث اقتصادی به پا کرده بود که فعلا جای ذکر آن نیست.

مساله دیگر که یکی از محورهای توصیه اقتصاددانان نویسنده کتاب است، توجه به «اقدامات هماهنگ شده» در تمامی سطوح است. در این خصوص به نظر در ایران بد عمل نشد. ستاد مرکزی مواجهه با کرونا نقش ویژه‌ای در هماهنگ‌سازی سیاست‌ها ایفا کرد.

مجله: از میان فصول ۲۴ گانه این کتاب، و تمامی این اقتصاددانان برجسته، راه حل پیشنهادی کدام را موثرتر می‌دانید؟

فصلی که «پل کروگمن» نوشته است. فکر کنم فصل آخر باشد. می‌گوید ما می‌دانستیم و یا باید می‌دانستیم که چنین چیزی در راه است. معتقد است که باید می‌دانستیم به زودی با یک تکانه منفی اقتصادی در سطح جهانی روبرو می‌شویم که دیگر سیاست‌های سنتی پولی قادر به رفع آن نیست. دست‌انداز جاده نشان داده که فنرهای ماشین اقتصاد جهانی خوب کار نمی‌کنند. هر کشوری دیوانه‌وار به دنبال رفع مشکل افتاد تا یک پاسخ سیاستی بدهد. اما از نظر او اقدامات آنی چندان چاره‌ساز نبودند. راه‌حلی که ارائه می‌کند هم جالب است. معتقد است که باید یک رویکرد بلندمدت اتخاذ کرد تا دست‌اندازهای بعدی این چنین به خودرو آسیب نزنند. البته توصیه‌هایی که می‌کند در سطح اقتصادهای صنعتی است. مثلا اینکه ۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشورها صرف سرمایه‌گذاری عمومی شود. به عقیده او همین الان کشورهای صنعتی به خاطر تداوم نرخ‌های پایین بهره، در دوران رکود مزمن به سر می‌برند که عامه مردم شناختی از این شرایط ندارند. دوران رکود مزمن یعنی نرخ بهره طبیعی که با اشتغال کامل سازگار است، بسیار پایین است. در این دوران تنها موجی از سرمایه‌گذاری که با فن‌آوری جلو می‌رود، می‌تواند موقتا اقتصادها را تکان دهد اما مساله، برای این تکان‌های موقت، پایین بودن تقاضا به ویژه از جانب بخش خصوصی این کشورهاست که قادر به پر کردن شکاف عرضه و تقاضا برای این سرمایه‌گذاری‌ها نیست. پس باید چه کرد؟ «کروگمن» پاسخ جالبی می‌دهد. باید سراغ ترکیبی از سیاست‌های پولی غیرسنتی و محرک‌های مالی رفت و خودش اذعان دارد که به دلیل بسیار پایین بودن نرخ بهره، امیدی به سیاست‌های غیرسنتی پولی در دوران برخورد با دست‌اندازهای جاده ندارد. این حرف بزرگی است. تمامی نظام اقتصادی غرب مبتنی بر نهادهای بزرگ سیاست‌گذاری پولی است و اینکه آنها دیگر قادر به اثرگذاری اقتصادی نیستند، پیام جدی دال بر ضرورت ورود دولت‌ها دارد. نرخ‌های پایین بهره نیاز مبرم به زیرساخت‌ها بهتر بهداشت، تغذیه فرزندان و سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و انسانی از جانب دولت‌ها را ایجاد می‌کند که البته این جنس سرمایه‌گذاری‌ها به سرعت هم ثمر نمی‌دهند. لذا «کروگمن» پیشنهاد می‌کند دولت‌ها از حالا به بعد ۲ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به این امر اختصاص دهند و این سرمایه‌گذاری‌ها را دائمی کنند. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری‌های عمومی یک ضریب تکاثری دارد (در آمریکا حدود ۱.۵ است) که تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد و رشدزا است و ظرفیت تولیدی اقتصاد را نیز در بلندمدت افزایش می‌دهد. لذا از یک جنبه دیگر هم می‌شود به نظریه «کروگمن» نگاه کرد. اعتقاد دارد که سرمایه‌گذاری‌های عمومی دولت و محرک‌های مالی دائمی پایدار، به دلیل ضریب تکاثر و بالا بردن رشدزایی و ظرفیت تولید واقعی، خود بخشی از هزینه‌های خود را پرداخت خواهد کرد. دقت کنیم که «کروگمن» از باب تاکید بر تولید ناخالص داخلی به جای رشد تولید ناخالص داخلی، در برابر «لوکاس» و دیگران قرار می‌گیرد. اینجا هم از همان چشم‌انداز نظری ایشان به حوزه کلان خود به قضیه ورود کرده است.

به نظر من بازگشت دولت به مرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در جهان غرب، مهمترین پیامد بحران کووید بود.

مجله: حرف آخر؟

امیدوارم خوانندگان محترم در مواجهه با برخی واژه‌های فنی و قسمت‌هایی که سخت ترجمه شده است، محدودیت شدید زمانی ترجمه را لحاظ کنند. نهایتا به قول خیام:

رفتیم و زما زمانه آشفته بماند / با آنکه ز صد گهر یکی سُفته بماند
افسوس که صد هزار معنی دقیق / از بی‌خردی خلق ناگفته بماند